



Explaining the principles of our vision of the people's economy and ways to ensure its realization by the government

Seyed Ashraf Mousavi Luqman^{*1} | Mirsaman Peeshwai²

Research Paper

Received:
01 March 2024
Accepted:
24 April 2024



Abstract

In the past, natural resources played a key role in the economy's ability, and later capital, which had the ability to gather resources, became central. The chaos caused by the capitalist thought made the government's intervention in regulating the capitalist economy more and more necessary, and socialists and marxisms gradually emerged. In recent decades, special attention has been paid to the necessity of reducing the role of the government and reproducing the role of man in economic development and democracy. But the view that Islamic education has on economic democracy gives a new image of this concept, which should be able to explain its difference with other democratic ideas with a correct explanation. In the past, efforts have been made to calculate the principles of popular economy; But from the point of view of the authors, in order to explain the differences and emphasize the excellence of this system compared to similar systems, they need to be modified. In addition to completing the principles of popular economy, this research seeks to explain and adjust the previous principles. Thus, by using the theme analysis method and referring to Islamic sources and foundations, by searching for the key words of people, participation, economy, cooperation, etc. in the text of verses, narrations, opinions of scholars and contemporary Islamic scholars, the desired codes and themes are extracted, then by organizing The main and secondary themes, the network of research themes are presented. Based on the findings presented in the form of a conceptual model, the complementary principles of popular economy are: Monotheistic and Islam-oriented in order to achieve human happiness, Suspicion of participation and transcendent rationality, Conscious and voluntary participation, Popular (relying on people), Jihad production based on innovation. social, fair and merit-oriented opportunity creation, social sustainability and consistency, cooperation-competition logic, distribution, stability and inviolability and mixed ownership. In addition, based on interviews with experts and different stakeholders and qualitative content analysis, related categories and categories have been extracted and finally the solutions to guarantee and realize each principle have been determined.

Keywords: principles of popular economy; solutions to guarantee the realization of the people's economy; content analysis; Oriented qualitative content analysis.

1. PhD in Public Policy, Faculty of Economics, Management and Development Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran. Email: Meshkatnoor85@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Industrial Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran.



۱

دوره اول
بهار ۱۴۰۳
صص: ۹۳-۱۲۶

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۲/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۲/۰۵



DOR: 20.1001.1.26454262.1401.5.2.1.7

تبیین اصول دیدمان اقتصاد مردمی و راه‌کارهای تضمین تحقق توسط حاکمیت

سیده‌اشرف موسوی لقمان^{۱*} | میرسامان پیشوایی^۲

چکیده

در گذشته منابع طبیعی، نقش کلیدی در توانمندی اقتصاد داشت و بعدها سرمایه که توان گردآوری منابع را داشت محوریت یافت. هرج و مرج ناشی از اندیشه سرمایه‌داری، ضرورت هرچه بیشتر دخالت حکومت در تنظیم اقتصاد سرمایه‌داری را محسوس ساخت و به تدریج سوسیالیست‌ها و مارکسیسم‌ها ظهور کردند. در دهه‌های اخیر به ضرورت کاهش نقش دولت و بازتولید نقش انسان در توسعه و مردم‌سالاری اقتصادی توجه ویژه‌ای شده است. اما نگاهی که معارف اسلامی به مردم‌سالاری اقتصادی دارد، تصویری جدید از این مفهوم را به دست می‌دهد که باید بتوان با تبیین صحیح، وجه تمایز آن را با سایر اندیشه‌های مردم‌سالارانه تشریح کرد. در گذشته تلاش‌هایی برای احصای اصول اقتصاد مردمی صورت گرفته؛ ولی از منظر نگارندگان، به‌منظور تشریح تمایزات و تأکید بر وجه تعالی این نظام نسبت به نظام‌های مشابه، نیاز به جرح و تعدیل دارند. این تحقیق در پی آن است علاوه بر تکمیل اصول اقتصاد مردمی، به تبیین و تعدیل اصول پیشین بپردازد. بدین ترتیب با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و رجوع به منابع و مبانی اسلامی، با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مردم، مشارکت، اقتصاد، تعاون و ... در متن آیات، روایات، نظرات علما و اسلام‌شناسان معاصر، کدها و مضامین موردنظر استخراج، سپس با سازمان‌دهی مضامین اصلی و فرعی، شبکه مضامین تحقیق ارائه شده است. براساس یافته‌ها که در قالب یک مدل مفهومی نمایش داده شده، اصول تکمیلی اقتصاد مردمی عبارتند از: توحیدمحوری و اسلام‌محوری به‌منظور نیل به سعادت انسانی، تشکیکی‌بودن مشارکت و عقلانیت متعالی، آگاهانه و داوطلبانه‌بودن مشارکت، مردمی (متکی بر مردم)، تولید جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی، فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته‌محور، دوام و قوام اجتماعی، منطق تعاون - مسابقه، توزیع‌شدگی، استواری و اختلال‌ناپذیری و مالکیت مختلط. علاوه بر این، براساس مصاحبه‌هایی با خبرگان و ذی‌نفعان مختلف و تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، دسته‌ها و مقولات مرتبط استخراج شده و در نهایت راه‌کارهای تضمین و تحقق هر اصل مشخص شده است.

کلیدواژه‌ها: اصول اقتصاد مردمی؛ راه‌کارهای تضمین تحقق اقتصاد مردمی؛ تحلیل مضمون؛ تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار.

۱. نویسنده مسئول: دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت،

Meshkatnoor85@gmail.com

تهران، ایران.

۲. دانشیار، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه بسیاری از دانشگاهیان، سیاست‌مداران و جوامع مدنی به دنبال مشارکت مستقیم مردم در روند حاکمیت هستند. اعتقاد آن‌ها این است که مردم حق دارند در تمام امور عمومی که اثری در زندگی آنان دارد، مشارکت کنند و این مشارکت قلب حکومت امروز است. در حال حاضر، روند روبه‌رشد آگاهی‌های مردم از مسائل عمومی دولت نیز، آنان را مجبور به اشتراک گذاشتن قدرت خود با مردم نموده است. بهترین نتیجه از به‌اشتراک‌گذاری این قدرت نیز آن شده که تمام نهادهای دولتی، مردم را در مرکز حکومت قرار دهند بنابراین، حکومت‌ها تبدیل به مدلی شده‌اند که نه تنها باید با مردم کار کنند، بلکه باید علاوه بر شفافیت و پاسخگویی به ایشان، از قوانین محلی وضع شده توسط مردم نیز پیروی نمایند. به این نوع دموکراسی، دموکراسی مشورتی^۱ یا مشارکتی^۲ نیز گفته می‌شود. به تعبیر صریح‌تر، امروز حکمرانی خوب یعنی دولت برای مردم، پاسخگو به مردم، شفاف با مردم، پیروی از حکومت مردم و برای بهبود مردم (Waheduzzaman, 2010: p 96). حکمرانی مردم‌سالار نیز مشتمل بر سنت‌ها، نهادها و فرآیندهایی است که تعیین می‌کند چگونه تصمیمات به صورت روزانه اتخاذ می‌شود (خورشیدی و عطایی، ۱۳۸۶). چگونه و تا چه حدی شهروندان می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های جاری کشور حق اظهار نظر داشته باشند؟ هابرماس^۳ نظریه پرداز آلمانی که در پی مفهوم‌سازی مشارکت شهروندان در امور حکومتی بود، اصطلاح عقلانیت ارتباطی را به کار برده است که در آن، شهروندان آگاه و شایسته با یکدیگر در بستر اعتماد متقابل و حسن نیت برای رسیدن به یک درک مشترک در موقعیت خاص درگیر شده و مشارکت می‌کنند (Habermas, 1984, p.86). در یکی از تعاریف متداول از هنظریه حق حاکمیت مردم، ساختار تصمیم‌گیری عمومی به شکل یک هرم معرفی می‌شود که در پایه آن، تا حد زیادی دموکراسی مستقیم، در قالب جماعت‌های محلی مانند گروه‌های همسایگان محلی و انجمن‌های کارگری کارخانه‌ها، به گونه‌ای در حاکمیت مشارکت می‌کنند. اما در رویکردهای جدید در عین پذیرش ساختار هرم گونه اعمال حاکمیت

1. Deliberative
2. Participatory
3. Habermas

مردم، سعی بر آن است تا با حفظ شیوه‌های سنتی دموکراسی مستقیم، از تله‌دموکراسی^۱ نیز استفاده شود؛ به طوری که شهروندان بتوانند در مدیریت کلان جامعه از طریق فناوری‌های روز و ارتباطات الکترونیکی، در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مشارکت جویند (بشیریه، ۱۳۷۸). منظور از تله‌دموکراسی استفاده از فناوری‌های الکترونیک برای افزایش مشارکت شهروندان در فرایندهای دموکراتیک مانند رأی‌گیری، نظرسنجی و آموزش است که منافع عمومی را تأمین می‌کنند. در واقع استفاده از فناوری برای اعمال حاکمیت با واسطه، براساس بسیاری از مدل‌های از قبل موجود دموکراسی است (Leblanc et al., 2008).

علاوه بر این جریان سرمایه‌سالاری اقتصادی^۲ به شدت جریان مردم‌سالاری سیاسی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و جریان حاکمیت اجتماعی را به سمت نوع خاصی از دیکتاتوری سرمایه پیش می‌برد. از منظر راسل با وجود حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی، هنوز حکومت اقتصادی مردم بر مردم تشکیل نشده است؛ در حالی که چنین نظامی بهترین راه برای افزایش کارایی و تقویت خلاقیت در بخش اقتصادی است. وی در پی سیستمی است تا مردم‌سالاری در عرصه اقتصادی بر اصول دموکراتیک حاکم شود و از عواقب نامطلوب سرمایه‌سالاری کاسته شود (یوسفی، ۱۳۹۳: ص ۶۱).

براساس دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) و هم‌چنین رهبر معظم انقلاب اسلامی، حقیقت جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری دینی است. واژه مردم‌سالاری دینی، نخستین بار از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی ایران به کار رفت و سپس مورد توجه جدی نویسندگان و تحلیل‌گران قرار گرفت بنابراین، در تبیین اصطلاح مردم‌سالاری دینی باید مردمی‌بودن را از دیدگاه ایشان دریافت: مردمی‌بودن حکومت، یعنی نقش دادن به مردم در حکومت، یعنی مردم در اداره حکومت، تشکیل حکومت، تعیین حاکم و در

1. Teledemocracy

۱. منظور از سرمایه‌سالاری، سلطه ثروت، سرمایه و مالکیت خصوصی بر کار، نیروی کار و مردم است. در این نظام افزایش مالکیت از طریق بیشینه‌سازی سود شخصی مادی یک ارزش تلقی می‌شود و هر کس حق دارد برای گسترش مالکیت خود بر ثروت و دارایی جامعه با دیگران به رقابت برخیزد. بنابراین صاحبان سرمایه در جامعه روزبه‌روز قدرتمندتر شده و سایر اعضای جامعه را به استثمار خود درمی‌آورند. در واقع، نظام سرمایه‌داری، آزادی اقتصادی را تنها برای صاحبان سرمایه به ارمان آورده و نیروهای حقیقی فعال اقتصادی، از آزادی اقتصادی بی‌بهره‌اند (یوسفی، ۱۳۹۱).

تعيين رژيم حکومتي و سياسي نقش دارند. اگر يك حکومت ادعا کند که مردمی است، بايد به معنای واقعي هم مردمی باشد، يعني مردم در حکومت و در تعيين حاکم دارای نقش باشند. در حکومت اسلام، مردم در تعيين شخص حاکم دارای نقش و تأثيرند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۵/۱۴). براساس ديدگاه‌های ایشان، سياست نظام اسلامی اين بوده که به مردم تکیه کند و با مردم و برای مردم حرکت کند. به کارگیری سرمايه‌های مالی، سرمايه‌های فکری و ذهنی برای پيشرفت کشور در منظومه فکری ایشان جایگاه ویژه دارد (مقام معظم رهبری، ۸۳/۶/۴).

در اقتصاد مردمی، مردم هم توليدکننده و هم مصرف‌کننده هستند. علاوه بر اين، فرصت حضور مردم در اقتصاد، استثناءناپذير است؛ يعني هر فرد در هر جایی، در هر زمانی و با هر مقدار توان مادی و معنوی می‌تواند در فرآيندهای آن مشارکت کند. تنها اين نيست که به سرمايه‌داران، نخبگان، متخصصان و ... بها داده شود. به‌طور کلی می‌توان گفت اقتصاد مردمی با مردم شروع و با مردم پايان می‌یابد و مردم از هر قشری و با هر نوع امکانات و داشته‌ها و گرايشاتی امکان حضور برای‌شان فراهم است. امکان شکوفایی استعداد و ظهور توانایی‌ها برای همه وجود دارد. ازسویی ديگر مشارکت برای مردم، بستری برای تحقق قابليت‌ها و استعدادهای فردی به‌شمار می‌رود. با مشارکت مردم در امور عمومی علاوه بر تأمین نیازها و احتياجات عموم جامعه، خود فرد نیز از منافع و نتايج مشارکت بهره‌مند می‌شود. علاوه بر اين حسنی و همکاران (۱۳۹۵) چندین اصل ديگر در مشارکت اقتصادی مردم ذکر کرده‌اند که شامل موارد زیر است: تشکیکی‌بودن (بدین معنی که مشارکت مردمی یک طیف است که از همراهی در حد نیت و خواست قلبی تا افعال فیزیکی و جسمی و مایه‌گذاشتن از مال و جان را دربرمی‌گیرد)، تدریجی‌بودن، فعالانه، آگاهانه و داوطلبانه‌بودن و اینکه در مشارکت هر کس در حد توان خود حضور می‌یابد. اصول هشت‌گانه اقتصاد مردمی عبارت است از: توحیدمحوری و اسلام‌محوری به‌منظور نیل به سعادت انسانی، مردمی (متکی بر مردم)، توليد جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی، فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته‌محور، دوام و قوام اجتماعی، منطق تعاون — مسابقه، توزیع‌شوندگی، استواری و اختلال‌ناپذیری و مالکیت مختلط (پيشوایی و همکاران، ۱۳۹۶).

نگاهی که معارف اسلامی به مردم‌سالاری اقتصادی دارد، تصویری جدید از اين مفهوم را به‌دست می‌دهد که بايد بتوان با تبیین صحیح، وجه تمایز آن‌را با ساير اندیشه‌های مردم‌سالارانه

تشریح کرد. به نظر می‌رسد پژوهش‌های گذشته — با توجه به نبود پیشینه و ادبیات علمی قوی در حوزه اقتصاد مردمی — تلاش کرده‌اند به تبیین، توصیف و شناخت دقیقی از این دیدمان نوین اقتصادی برسند. کوشش‌های صورت گرفته برای احصای اصول اقتصاد مردمی از منظر نگارندگان قبلی کافی نبوده و به منظور تشریح تمایزات و تاکید بر وجه ترجیح و تعالی دیدمان اقتصاد مردمی نسبت به نظام‌های مشابه، نیاز به جرح و تعدیل دارند. این تحقیق در پی آن است تا علاوه بر تکمیل اصول پیشین، به ارائه راه کارهایی جهت تضمین و تحقق این اصول بپردازد. در این راستا، از تحلیل مضمون آیات، روایات و نظرات علما و اسلام‌شناسان بهره گرفته شده است. به منظور استخراج راه کار، مصاحبه‌هایی با خبرگان ترتیب داده شده و با تحلیل روشمند آن‌ها، اقدامات پیشنهادی ارائه شده است. در ادامه مقاله، سیر تاریخی مکاتب اقتصادی از توجه به منابع طبیعی تا نقش توسعه انسانی و هم‌چنین ادبیات اقتصاد مردم محور مرور شده است. در بخش سوم متدولوژی و روش تحقیق معرفی شده است. در بخش یافته‌ها جدول مضامین، مدل مفهومی اصول، ارائه شده است. هم‌چنین با نمایش مدل مفهومی، اصول و راه کارهای تضمین تحقق آن‌ها ارائه شده‌اند.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

از رشد اقتصادی تا توسعه انسانی

در گذشته منابع طبیعی نقش کلیدی در توانمندی اقتصاد داشت و بعدها سرمایه که توان گردآوری منابع را داشت، محوریت یافت. در مکتب سرمایه‌داری و لیبرالیسم، رقابت در فعالیت‌های اقتصادی و فراهم کردن شرایط برای رقابت بهینه یکی از مسائل اساسی در اقتصاد است؛ چراکه دولت‌ها در بسیاری از مواقع به اتلاف و فساد کشیده می‌شوند و در این شرایط، حضور کمتر دولت در اقتصاد بهینه است. در نظام سرمایه‌داری مالکیت ابزار تولید (زمین، کارخانجات، ماشین‌آلات و منابع طبیعی) در اختیار فرد است نه دولت و اساس تمدن سرمایه‌داری مبتنی بر حمایت از مالکیت خصوصی بر ابزار تولید بنا شده است. مکتب لیبرالیسم با هدف دفاع از فرد در مقابل قدرت روبه‌افزایش دولت به وجود آمده و در تعارض بین منافع فرد و جامعه، به حمایت از منافع فرد به پا خواست (پیروز، ۱۳۹۸). از اواخر قرن نوزدهم، اندیشه لیبرالی عدم دخالت حکومت

در اقتصاد، به دلایل چندی قدرت خود را از دست داد. پس از بروز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در دولت‌های لیبرال کلاسیک، برخی از اندیشمندان علل ظهور و بروز این بحران‌ها را ناشی از هرج و مرجی می‌دانستند که در غیاب دولت به وجود آمده است؛ به‌ویژه منازعات طبقاتی و شرایط حاکم بر صنایع در آن دوران ضرورت هرچه بیشتر دخالت حکومت در تنظیم اقتصاد سرمایه‌داری را محسوس ساخت و به تدریج از وظیفه دولت در تنظیم نظام اقتصادی سخن به میان آمد و محدودیت‌های حاکم بر قدرت حکومت از نظر لیبرال‌ها سست شد. بدین‌سان عملکرد دولت‌ها به تدریج از اصول لیبرالیسم فاصله گرفت و سوسیالیست‌ها ۱ و مارکسیست‌ها ۲ ظهور کردند که بر مالکیت اشتراکی ابزار تولید تأکید دارند. در این مکتب، به‌جای آنکه مالکیت مشترک به خدمت جامعه در آید مورد استفاده قدرت ملی قرار گرفته و بدین جهت استثمار انسان‌ها برقرار مانده است (مطهری، ۱۳۹۰). در این دوره به تبعیت از نظریه کینز، بیشتر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران به دولت بزرگی اعتقاد داشتند که زمام امور را در دست بگیرد و شرکت‌های دولتی به مثابه قهرمانان ملی تلقی می‌شدند (پیروز، ۱۳۹۸).

در ربع پایانی قرن بیستم به دلیل ناتوانی نظام‌های سوسیالیستی در پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و تقاضای مصرفی افراد و ناتوانی دولت‌های رفاه در حل معضلات رکود تورمی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری زمینه برای بازگشت به اندیشه‌های دوره اول به وجود آمد و تحت تأثیر فضای حاکم بر جهان حتی اقتصاددانان معتقد به دخالت منطقی دولت در امور اقتصادی در لاک خود فرورفتند و در موضع انفعالی قرار گرفتند. دیدگاه طرفداران اقتصاد آزاد که در این دوره به مکتب شیکاگو یا نئولیبرال‌ها مشهور شدند، به شدت رواج یافت. آن‌ها به بیان دیدگاه‌های خود در باب انتقاد از دولت رفاه پرداختند و با توجه به اصول لیبرالیسم کلاسیک، خواستار کوچک شدن دولت شدند. نئوکلاسیک‌ها در وهله اول موارد شکست بازار را مطرح می‌کنند، در نتیجه نقش بیشتری به دولت برای دخالت در اقتصاد می‌دهند. از نظر آن‌ها دولت باید زمینه و شرایط رقابت را فراهم کند؛ اما دخالت بیش از حد دولت مانع رشد اقتصادی است. در این دیدگاه نظام بازار بر رفتارهای اقتصادی حاکم است (خورشیدی و عطایی، ۱۳۸۶).

1. Socialist
2. Marxism

همزمان با رکود اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۸۰، قراین نشان می‌داد که فناوری‌های جدید به رشد اقتصادی بیشتر منجر می‌شوند؛ ولی در گذر زمان با به کارگیری این فناوری‌ها و آثار آن‌ها در اقتصاد، ریشه‌های اقتصاد دانش‌بنیان شکل می‌گیرد. اقتصاد دانش‌بنیان را می‌توان نوعی از اقتصاد تصور کرد که در آن تولید و بهره‌برداری از دانش، نقش عمده‌ای در فرآیند تولید ثروت دارد (صمدی، ۱۳۷۷). در گزارش سال ۱۹۹۶ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، اقتصادهایی که به‌طور مستقیم بر تولید، توزیع و بهره‌برداری از دانش و اطلاعات استوارند، اقتصادهای دانش‌بنیان نامیده شده‌اند. شش دهه‌اند (Sun, 2001). زمین، نیروی کار و منابع طبیعی، بنیان‌های کلیدی رشد و اقتصاد کشاورزی بودند و در اقتصاد صنعتی، ارکان اقتصاد بر سرمایه و ماشین‌آلات استوار بود که مدیریت در به کارگیری آن‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کرد. اما در اقتصاد دانش‌بنیان، علم و فناوری، نوآوری و کارآفرینی ارکان اصلی اقتصاد را تشکیل می‌دهند که همگی ریشه در انباشت دانش دارند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳). در مکتب اتریشی نیز، انسان، موضوع و رقابت، بستر توسعه است. مصرف‌کننده عنصر کلیدی و جوهره نظام اقتصادی است. پدیده‌های اجتماعی محصول عمل انسان‌ها و ارزش‌ها بازتاب ترجیحات فردی آن‌ها و تابع اصل بنیادین کلاسیک درباره مکانیسم بازار است. از نظر آن‌ها نظام بازار رقابتی که مبتنی بر تصمیم‌گیری فردی انسان‌هاست، توانایی کافی برای ایجاد فعالیت‌های بدیع و ابتکاری را فراهم می‌کند و بخش خصوصی به فضای ایستای اقتصاد، پویایی می‌بخشد (خورشیدی و عطایی، ۱۳۸۶).

یکی دیگر از ایده‌هایی که در اینجا نه به‌عنوان مکتب اقتصادی بلکه به‌عنوان یک الگو، قابل طرح است الگوی توسعه انسانی است. ایده توسعه انسانی با این پیش‌فرض اساسی ظهور کرد که درآمد، همه زندگی انسانی نیست؛ بنابراین پیشرفت انسانی را نمی‌توان تنها توسط درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد. پروفیسور آمارتیا سن ۱ برنده جایزه نوبل علم اقتصاد در سال ۱۹۸۸ نیز در توسعه این چارچوب فکری کمک شایانی کرده است. وی با طرح ایده ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی این واقعیت مهم را آشکار ساخت که دستیابی به زندگی بهتر، بیش از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات باشد، ثمر پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است؛ بنابراین بسط

1. Amartya Sen

ظرفیت‌های ذهنی از طریق آموزش، در کنار درآمد از عناصر اصلی توسعه انسانی به‌شمار می‌آید. توسعه انسانی اگرچه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش استعدادهای ذهنی تأکید می‌ورزد؛ اما رشد اقتصادی را خود به‌عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسانی به‌شمار می‌آورد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸). در دهه‌های جدید توجه به نقش مردم در اقتصاد پررنگ‌تر شده است. تحقیقاتی که با عنوان مردم‌سالاری اقتصادی نگاشته شده بر کوچک‌تر شدن دولت، کاهش دخالت و دولتی شدن اقتصاد با مشارکت بیشتر بخش خصوصی و استقرار اقتصاد آزاد تمرکز کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۲: ۳۰؛ رشیدی، ۱۳۸۱: ۵۰-۵۲). البته تأکید بیشتر این پژوهش‌ها بر گسترش اقتصاد بخش خصوصی در برابر اقتصاد بخش دولتی بوده و نتوانسته تبیین خوبی از اقتصاد مردم‌سالار ارائه دهد.

اقتصاد مردم‌محور:

همه مردم می‌توانند به معنای واقعی متولی امور اقتصادی باشند و تمام گروه‌های فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به هدف‌های اقتصادی خود دست یابند. یوسفی، در مقاله خود با استفاده از روش توصیفی — تحلیلی مبانی، اهداف، اصول و راهبرد الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار را براساس آموزه‌های اسلامی تبیین و تحلیل کرده است. در این الگو آزادی اقتصادی، برای تمام فعالان اقتصادی به‌عنوان حق شمرده شده است؛ هرچند آنان در برابر بهره‌مندی از این حق، با تکالیف و مسئولیت‌هایی روبرو هستند. این الگو از یک‌سو مبتنی بر مبانی پیشینی خاصی است و از سوی دیگر، در پی اهداف معینی است و برای رسیدن به آن اهداف، اصول و راهبرد اقتصادی ویژه‌ای دارد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۵۳).

به‌منظور دستیابی به اقتصاد مردم‌محور چندین گام اساسی وجود دارد: در گام اول بایستی در مردم یک آگاهی از جمله در عرصه‌های اقتصادی رخ دهد. پس از این مرحله است که در مردم همت و انگیزه برای حضور و مشارکت در اقتصاد پدید آمده و در انتها به مشارکت مردم در برپایی اقتصادی مقاوم منجر خواهد شد (حسینی و سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). علاوه بر این باید بسترهای لازم جهت سوق دادن شهروندان به مشارکت در امور اقتصادی فراهم باشد که از جمله آن‌ها عبارتند از: سودآوردن و فعالیت مشارکتی، مدیریت اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی مدیران شهری (شریف‌زاده و صدقی، ۱۳۸۷: ۴۷). هم‌چنین محوریت

مردم در اقتصاد، راهبردهای خاصی را می‌طلبند از جمله: ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار، نهادینه شدن روحیه جهادی و نگاه پیشرفت اقتصادی عدالت‌محور - که بسترساز اعتماد مردمی و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی است. علاوه بر این مداخله کنندگان در تحقق اقتصاد مردمی در جمهوری اسلامی ایران نیز باید ویژگی‌ها و شرایطی داشته باشند که رعایت چارچوب حمایت از بخش خصوصی، لحاظ اصول تولید ثروت در اسلام و مبارزه با فساد اقتصادی از این جمله‌اند (شفیعا و موسوی، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۶). فعال‌سازی بخش تعاون به عنوان یکی از زمینه‌های تحقق اقتصاد مردم‌محور، علاوه بر کارآمدتر کردن دارایی‌های محدود، به شکل‌گیری هویت‌های جدید منتهی می‌شود و قدرت‌های جدید اقتصادی اجتماعی را حادث می‌نماید (کراری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹).

در مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی به سه دسته بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالار تام، متوسط و ضعیف، بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر و بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت خصوصی فردی اشاره شده است. این مدل‌ها باید به گونه‌ای فراگیر باشند تا بستر فعالیت اقتصادی متناسب با روحیه و انگیزه‌های اقتصادی هر فعال اقتصادی فراهم شود (یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۴-۷۹). هدف اصلی کسب و کارهای مردم‌محور توسعه اجتماعی از طریق افزایش کیفیت زندگی جامعه با مدیریت و مشارکت اعضای اجتماع است و نقش مهمی در ایجاد شغل و درآمد متناسب با مهارت‌های افراد جامعه، برابری جنسیتی، توسعه نهادهای مدنی، حفظ منابع طبیعی و تقویت ریشه‌های اجتماعی از طریق سرمایه انسانی و اجتماعی دارند. با توسعه کسب و کارهای مردم‌محور جوامع محلی در زمینه حل مسأله و مدیریت منابع توانمند می‌شوند و تاب‌آوری جوامع در مقابل تغییرات و شوک‌ها افزایش می‌یابد (بیات، ۱۳۹۷: ۳۰). بنگاه‌های خرد و مردم‌محور، سازمان‌هایی هستند در مقیاس کوچک با ساختار سازمانی تخت، سامانه‌های عملیاتی غیررسمی، فرهنگ سازمانی ارگانیک، مبتنی بر منابع محلی و سرمایه اجتماعی و سطح پایین فناوری. این بنگاه‌ها بر ارتباطات غیررسمی تمرکز می‌کنند و توجه کمتری به فرآیندهای دانش رسمی دارند. توسعه کسب و کارهای مردم‌محور وابسته به خرد محلی است (همان: ۲۶۳ و ۲۶۴).

اصول اقتصاد مردمی در مطالعات پیشین:

همان‌طور که اشاره شد، پیشوایی و همکاران (۱۳۹۶: ۱۶۱-۱۳۸) در مطالعات پیشین خود اقدام به تشریح اصول هشت‌گانه اقتصاد مردمی نموده‌اند که در اینجا به‌طور مختصر هر کدام از آنها تشریح می‌شوند:

توحیدمحوری و اسلام‌محوری به‌منظور نیل به سعادت انسانی:

اسلام، به‌عنوان یگانه دین الهی^۱، منشور نیل به حیات طیبه^۲ را به بشریت عرضه کرده است. اقتصاد مردمی هم بر مبنای جهان‌بینی اسلامی و تفسیر آن از عالم هستی بنا می‌شود. به بیان دیگر اقتصاد مردمی متکی بر فلسفه اسلامی و در چارچوب اصول اقتصادی اسلام که در آن بر نقش و مشارکت مردم^۳ در فعالیت‌های ارزش‌افزای اقتصادی تأکید شده است، زیست می‌کند. بهره‌گیری هم‌افزا و به حق از انواع مکانیزم‌ها و عقود اقتصاد اسلامی و تأکید بر حاکمیت روح و باطن، اصول و قواعد اقتصادی اسلام و نه تنها ظواهر آن‌ها، از جمله ویژگی‌های ذاتی اقتصاد مردمی است. محوریت سعادت انسان، روح حاکم بر همه آموزش‌های اسلامی و از جمله آموزه‌های اقتصادی اسلام است.

مردمی‌بودن:

زندگی آدمی در دو بعد مادی و معنوی آن، زندگی اجتماعی است و بنابر طبیعت خود و نیازمندی‌های آن، خصوصیت تکاملی دارد. جامعه انسانی مجموعه‌ای است که پاره‌های آن به یکدیگر پیوسته است. علت اصلی امر نیز، نیازمندی چندطرفه افراد — از لحاظ توانایی‌های فکری و علمی — به یکدیگر است. در بعد اقتصادی نیز، انسان‌ها به دلیل تفاوت در توانایی و استعداد و لزوم استخدام متقابل، ناچار به حرکت‌های اجتماعی و همکاری به‌منظور برطرف کردن نیازهای مادی یکدیگر هستند. دو ضرورت احتیاج متقابل افراد جامعه و استخدام متقابل جامعه انسانی را ناگزیر به سمت نظام‌های مردم‌محور سوق می‌دهد. در اقتصاد سرمایه‌داری، سرمایه‌داران قدرتمندی وجود دارند که عمده ثروت جامعه در دست ایشان است و چرخ اقتصاد کشور به دست عده‌ای محدود

۱. آل‌عمران، ۱۹، «همانا دین نزد خدا اسلام است...».

۲. نحل، ۹۷، «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی طیبه زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

۳. نور، ۶۲؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۳.

می‌گردد. اما در اقتصاد مردمی، هر عضو جامعه، حلقه‌ای هرچند کوچک از زنجیره بزرگ اقتصاد را تشکیل می‌دهد و با سرمایه و کار خود - گرچه به مقدار اندک - وارد فعالیت اقتصادی می‌شود. خصوصی‌سازی در انتهای کار موجب انحصار پول و قدرت در یک‌جا می‌شود؛ این در حالی است که مردمی‌بودن اقتصاد موجب به جریان افتادن پول در متن جامعه و در میان مردم و احیای شریان‌های اقتصادی است.

تولید جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی:

از دیدگاه قرآن و روایات معصومین، سعی و تلاش برای اداره زندگی، در سایه موازین شریعت و به دور از افراط و تفریط، به‌عنوان عبادت ارزشمند و در ردیف جهاد و مبارزه مسلحانه علیه دشمنان و متجاوزین معرفی شده است. سعی و تلاش در چارچوب قوانین شریعت، برای اداره زندگی و امرار معاش، جایگاه خاص و ویژه‌ای را در فرهنگ قرآن و آموزه‌های دینی و مذهبی به خود اختصاص داده است.

ایجاد جریان دانشی پویا از جامعه به جامعه و اجتماعی‌سازی نوآوری با هدف تولید جهادگرانه محصولات کارآمدتر - که از آن در ادبیات رایج علمی با نام نوآوری باز نام برده می‌شود - از اصول بنیادین اقتصاد مردمی است. در این دیدگاه دیگر جریان دانش در انحصار نخبگان (به‌معنای بخش کمی از جامعه که معمولاً تحصیلات عالی دارند) نیست، بلکه دانش به‌طور اجتماعی تولید و به اشتراک گذاشته می‌شود و در یک فرآیند اجتماعی جهت اکتساب کاربرد مناسب و خلق ثروت تجاری‌سازی می‌شود؛ لذا وسعت نخبگان به اندازه تمام جامعه بوده و سعی بر آن است که ظرفیت و استعدادهاى همه آحاد جامعه کشف و سپس بارور شود. مبانی اسلامی نیز، مؤید این دیدگاه بوده و بر بهره‌گیری از مردمان تأکید دارند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: *الْأَنْسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الْذَهَبِ وَالْفِضَّةِ*: مردم مانند معادن طلا و نقره هستند^۱. در این حدیث مردمان معدن‌هایی دانسته شده‌اند که قیمتی، کمیاب و ارزشمندند، می‌توانند ثروت تولید کنند، بخش‌های مختلف اقتصاد را رونق دهند، در تولید، دگرگونی ایجاد کنند، راه‌های بهتر استفاده از منابع و معادن را دریابند و کشاورزی و صنعت و بازرگانی و خدمات را متحول سازند. این روایات، به امر مهمی اشاره دارند

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۷۷

که امروزه در ادبیات علمی جهان از آن به‌عنوان خرد جمعی ۱ یاد می‌شود. اصل خرد جمعی در واقع، سازوکاری در راستای ایجاد زمینه ظهور و شکوفایی دانش و نبوغ همه افراد موجود در جمعیت مورد نظر است.

فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته‌محور

از دیدگاه قرآن کریم، گوهر کرامت در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده و هر عمل و فعالیتی که کرامت آدمی را خدشه‌دار کند نیز، نکوهش شده است از این رو، در اقتصاد مردم‌محور پاسداری از کرامت انسانی در خلال سازوکارها و فعالیت‌ها به‌عنوان یک اصل بایستی پذیرفته شود و هر نوع بهره‌کشی و استثمار انسان‌ها برای دست‌یابی به اهداف شوم افزون‌خواهان، باید از بین برود. علاوه بر اینکه بایستی جلوی هر نوع استثمار و انحصارطلبی از مردم را گرفت، در مقابل لازم است امکان فرصت‌آفرینی وسیع و فراخوان همه آحاد مردم جامعه به منظور مشارکت در خلق ارزش اقتصادی و بهره‌مندشدن از مزایای آن را فراهم کرد. شکستن انحصارهای غیرعادلانه، فراهم‌آوردن فرصت‌های متنوع نقش‌آفرینی اقتصادی از طریق تأمین مردم و نیازهای مردم و توجه به اعتبار و کیفیت خروجی و ارزش خلق شده به‌جای توجه به اعتبار افراد خلق‌کننده آن، از الزامات این امر است. در واقع در اقتصاد مردمی، مردم بایستی در کارهای اقتصادی دولت، سهام، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم با فریب و نیرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ درحالی که عده دیگری از مردم، در تأمین مایحتاج اولیه زندگی بمانند؛ یعنی همان مسأله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش‌های مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. از طرفی با توجه به تعریفی که در برخی منابع اسلامی از عدالت وجود دارد — قرارداد هر چیزی در جای خود — به‌نظر می‌رسد شایستگی و شایسته‌سالاری در به‌کارگیری نیروی انسانی از دیگر عناصر و اصول مهم باشد. عنصری که وجود او گردونه اقتصاد را در مسیر صحیح نظام معیشتی حرکت می‌دهد. نیروی انسانی و کارگزاران نظام اقتصادی در نگاه اسلام باید تخصص، تعهد، درستکاری و امانت‌داری و سایر شایستگی و صلاحیت‌های لازم را داشته باشند تا ضمن قرارداد اقتصاد در مسیر پویایی و رشد کارگزاران، کارگران و فعالان عرصه را به‌سوی مراتب بالاتر و تحصیل کرامت انسانی سوق دهند.

1. Crowd Wisdom

دوام و قوام اجتماعی:

اقتصاد مردمی مطلوب، اقتصادی است که آشکار گشتن (و به کارافتادن) گنجینه‌های عقلی انسان‌ها را — که پیامبران و فرستادگان خدا برای همین منظور مبعوث شده‌اند — میسر می‌سازد و شکوفاشدن نبوغ‌ها و توان‌های استعدادی افراد را — که هدف جدی و قاطع اسلام است — مقدور می‌گرداند و مگر امکان دارد که با وجود فقر و پریشانی و مسکنت، گنجینه‌های عقلی به کار افتد و نبوغ‌ها و استعدادها بشکفد؟ نتیجه اینکه مجموع اموال و ثروتی که در روی کره زمین و زیر آن و بالأخره در دنیا وجود دارد متعلق به عموم ساکنان این کره است. عموم بشر جامعه‌ای واحدند که تمامی اموال دنیا متعلق به این جامعه است و بر تک‌تک افراد بشر واجب است این مال را حفظ نموده و از هدررفتن آن جلوگیری کنند، پس نباید به افراد سفیه اجازه دهند که مال را اسراف و ریخت‌وپاش نمایند. در تولید نیز همین طور است؛ اگر حدّ قوام لازم مراعات نشود، به صورت تعدی و تجاوز و طغیان در خواهد آمد و نقطه آغازی برای افزایش در واردات برخی کالا و خدمات از کشورهای خارجی یا زیاده‌روی در مصرف خواهد بود. اصول کار و تولید براساس روایات اسلامی عبارتند از:

اصل احتیاج عمومی

اصل سودمندی عمومی

اصل قوام‌بودن اجتماعی

اصل پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های عمومی توده‌ها

از دیگر اصول مهم، کفاف و قناعت توده مردم است. مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکاف‌های طبقاتی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافی‌گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است. ازسویی دیگر دشمنان از طریق صدور انواع کالاهای مصرفی تجملاتی و پرزرق و برق با علامت‌ها و نوشته‌های فریبنده، علاوه بر وارد کردن ضربات مهلک بر پیکر اقتصاد ملی، عقاید، باورها و فرهنگ ما را در دست گرفته و به سمت دلخواه خود که همان استثمار است، هدایت می‌کنند.

منطق تعاون - مسابقه:

پویایی و رشد در اقتصاد مردمی از طریق دو مکانیزم مسابقه یا رقابت و تعاون یا همکاری به وجود می‌آید. در اقتصاد مردمی این دو مکانیزم چنان به هم تنیده‌اند که گویی یک منطق یکپارچه تعاون — مسابقه است که پیشرفت کلی نظام را تحقق می‌بخشد. جمعیت انبوه مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی از طریق رقابت با یکدیگر در قالب فرد یا گروه و همزمان همکاری و تعاون دائماً به تکامل کل نظام کمک می‌کنند و خود نیز از مزایا و منافع آن برخوردار می‌شوند. منطق تعاون — مسابقه به عنوان یک مدل فعالیت پویا در قلب نظام اقتصاد مقاومتی جای دارد. این منطق در کنار خرد جمعی انبوه مشارکت‌کنندگان باعث می‌شود که کیفیت خروجی فعالیت‌های اقتصادی نیز ارزش بالایی داشته باشد. این کیفیت در مسائلی که نیاز به خلاقیت و نوآوری بیشتر دارد، نسبت به رویکردهای سنتی نمود قابل توجهی دارد. هم‌چنین از آن‌جا که کار به وسیله مشارکت گروهی از مردم انجام می‌شود، زمان انجام کار به شدت کاهش پیدا می‌کند. هم‌چنین این فرآیند باعث تقویت روابط با مشتریان و مصرف‌کنندگان می‌شود. ارتباطات یک نفره نیز به ارتباطات کانالی تبدیل شده و زمان کمتری صرف می‌شود. افراد از ارتباطات اجتماعی خود با سایرین به دلیل ارضای نیاز ذاتی به این نوع از ارتباط احساس رضایت کرده و از اطلاعاتی که درون شبکه تولید شده بهره‌مند می‌شوند. هم‌چنین مهارت‌های غیراقتصادی افراد به منظور توانایی سازمان‌دهی و همکاری بالا می‌رود.

توزیع شدگی، استواری و اختلال ناپذیری:

یکی از عواملی که موجب افزایش آسیب‌پذیری یک سیستم در مقابل اختلالات متعدد می‌باشد، تجمع بیش از حد عملیات‌ها در یک مکان می‌باشد؛ چرا که به وجود آمدن یک اختلال موجب آسیب‌دیدن، متوقف شدن یا از بین رفتن کل سیستم می‌شود از این رو، برنامه‌ریزی و چینش یک سیستم به حالت توزیع شده در مکان‌های مختلف موجب ارتقای استواری و مقاومت سیستم می‌شود. در اقتصاد مردمی با توجه به اصل مردمی بودن و حضور گسترده مردم در اقصی نقاط یک کشور، فعالیت‌های ارزش‌افزا، کل زنجیره طراحی، تولید، توزیع و فروش به شکل نامتقارنی در پهنه جامعه توزیع می‌شود و سیستم اقتصادی را به یک سیستم توزیع شده که استواری بالا و درجه آسیب‌پذیری کم دارد، تبدیل می‌نماید. ساختار ارتباطات عناصر در این سیستم به صورت بسیار — به بسیار، نامتقارن و به شدت پویا می‌باشد؛ لذا ایجاد اختلال از طریق عوامل طبیعی مانند زلزله و

خشک‌سالی و انسانی مانند تحریم و حملات تروریستی در چنین سیستمی که تمرکز حداقلی دارد، بسیار سخت بوده و در صورت ایجاد هم خسارات حداقلی دارد. با توجه به اینکه قبلاً گفته شد، اقتصاد مردمی بستری را برای تمام مردم فراهم می‌آورد تا در هر زمان و هر مکانی به ارزش‌آفرینی پردازند و ساختار این نوع از اقتصاد به صورت طبیعی ساختار غیرمتمرکز، پراکنده و مقاوم است. تمامی مردم در بستر فراهم‌آمده برای ایشان مشغول فعالیت‌های اقتصادی و تولید ثروت هستند و از بین بردن تمامی این فعالیت‌ها بسیار سخت و هزینه‌بر و زمان‌بر است؛ چراکه هر برنامه‌ای که بخواهد این مجموعه اقتصادی را مختل کند، باید یک برنامه بسیار گسترده‌ای باشد تا بتواند همه فعالیت‌ها یا غالب آن‌ها را از پای بیندازد و نظام اقتصاد مردمی را مختل کند.

مالکیت مختلط:

نظام اقتصاد اسلامی با طرح ساختار مالکیت مختلط، اهداف متعددی را دنبال می‌کند. از یک سو با ارزش قائل شدن برای مالکیت خصوصی می‌خواهد انگیزه کار و فعالیت و سرمایه‌گذاری برای تک‌تک افراد فراهم آورد و از سوی دیگر، با طرح مالکیت عمومی می‌خواهد روحیه تعاون و همکاری بین مردم ایجاد کند و نوعی اتحاد و انسجام بین آحاد جامعه فراهم آورد و هم‌چنین با طرح مالکیت دولتی و در اختیار گذاردن ثروت‌های عمومی و طبیعی در اختیار دولت اسلامی، می‌خواهد زمینه تحقق عدالت اقتصادی و به تبع آن عدالت اجتماعی را فراهم آورد و گردش ثروت را در همه طبقات جامعه تضمین کند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در سه اصل ۴۴، ۴۶ و ۴۷ درباره مالکیت بحث شده است؛ اما مهم‌ترین اصلی که به این مسأله پرداخته، اصل ۴۴ است. در این اصل، گرچه در ابتدا تنها عنوان شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و نامی از مالکیت در میان نیست؛ اما در انتهای این اصل، تأکید شده است که مالکیت در این سه بخش با شرایط مذکور در این اصل، محترم و مورد حمایت قانون است. در این اصل، از سه نوع مالکیت نام برده شده و به‌طور ضمنی این سه نوع مالکیت — که در فقه اسلامی نیز مطرحند — مورد تأیید قرار گرفته‌اند. این سه نوع عبارتند از مالکیت دولتی، مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی.

روش پژوهش

هدف این پژوهش تکمیل اصول و الزامات اقتصاد مردمی است. بدین ترتیب با جست‌وجوی کلیدواژه‌هایی مانند مشارکت، تعاون، استخدام، برادری، تکافل، انصاف، مواسات، ایثار، آزادی و ... در آیات و روایات (مجموعه نرم‌افزارهای نور شامل جامع الاحادیث و جامع التفاسیر) و همچنین نظرات علما و اسلام‌شناسان معاصر (به‌خصوص امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای که در اندیشه‌های خود تأکید ویژه‌ای بر قدرت مردم و مردم‌محوری داشته‌اند) کار تحقیق آغاز شده است. با تحلیل زمینه‌های اولیه پژوهش، مضامین اصلی و فرعی به‌دست آمد. در مرحله دوم با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، مصاحبه‌هایی ترتیب داده و سؤالاتی از ایشان در جهت بسترسازی مناسب دولت برای تحقق اصول و الزامات دیدمان اقتصاد مردمی پرسیده شده است. جامعه آماری خبرگان، شامل ده نفر از فعالین حوزه تولید و نیز مسئولین اجرایی کشور در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت و کارشناسان اتاق بازرگانی و غیره بوده‌اند. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند. مصاحبه‌ها نیمه‌ساختاریافته بوده و مهم‌ترین سؤالات مطرح شده بدین ترتیب است:

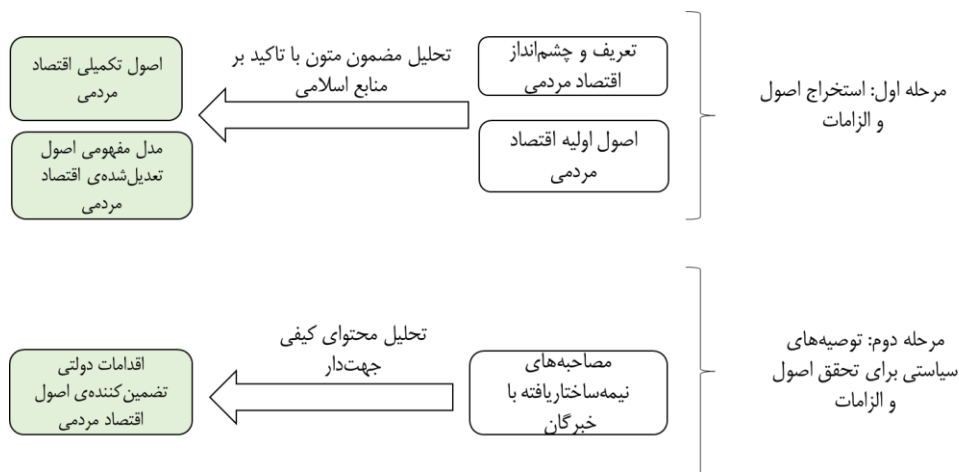
دولت چه حمایت‌هایی از کسب و کارهای مردمی می‌تواند داشته باشد؟

در چارچوب اصول و الزامات اقتصاد مردمی، چه راه‌کارهایی برای پیش‌برد کسب و کارهای

مردمی دارید؟

شکل ۱، متدولوژی تحقیق فوق را نشان می‌دهد که در مرحله اول با تحلیل مضمون اصول

تکمیلی اقتصاد مردمی استخراج شده است.



شکل ۱. متدولوژی تحقیق

در مرحله دوم نیز با استفاده از تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار مصاحبه‌ها، توصیه‌های سیاستی برای تحقق اصول و الزامات اقتصاد مردمی پیشنهاد شده است. در ادامه توضیحاتی در خصوص دو روش کیفی مورد استفاده در این تحقیق آمده است.

تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی و روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون، فقط روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف) دیدن متن؛

ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط؛

ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛

د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و فرهنگ و

ه) تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998: 4).

در تحلیل مضمون، واحد تحلیل بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها بیشتر توجه می‌شود، از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند؛ سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود و می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آن‌ها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و بیشتر، جنبه‌هایی از پدیده را تفسیر می‌کند (Boyatzis, 1998:4).

ابزارهای این روش، تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین است که به‌طور معمول در تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به‌صورت سلسله‌مراتبی بازگو می‌کند. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰ - ۱۶۵).

تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار:

تحلیل محتوای کیفی، روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق دسته‌بندی نظام‌مند، رمزگذاری و شناخت موضوع‌ها و الگوهای آن‌ها است. درواقع روشی برای کاهش داده‌ها و حس گرفتن با آن‌ها جهت استخراج معنی از آن‌ها بوده و معمولاً برای تحلیل گروه وسیعی از داده‌های متنی شامل یادداشت‌های مصاحبه‌ها، مشاهدات ثبت‌شده، حکایت‌ها، پاسخ‌های سؤالات پرسش‌نامه باز، گفت‌وگوها، رایانامه‌ها و رسانه‌ها مانند نقاشی‌ها، عکس‌ها و فیلم استفاده می‌شود. تحلیل محتوا، روشی مستقل از چارچوب و رویکردهای نظری همانند نظریه داده‌بنیاد و پدیدارشناسی است و در پاسخ به چپستی ۱ و چرایی ۲ و تحلیل ادراکات استفاده می‌شود. گاه نظریه یا تحقیقاتی قبلی درباره یک پدیده مطرحند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن‌هاست (Hsieh & Shannon, 2005). هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن چارچوب

1. what
2. Why

مفهومی نظریه و یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای موردنظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند که نشان‌دهنده مقوله‌بندی به شیوه قیاسی است. با به‌کاربردن نظریه‌های موجود یا پژوهش‌های پیشین، پژوهشگران کار خود را با شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه آغاز می‌کنند. در مرحله بعد تعریف‌های عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۶).

یافته‌های پژوهش

استخراج اصول تکمیلی

برای مرحله تلخیص، از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۱۲ استفاده شد. سپس با دسته‌بندی تم‌ها، مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر به دست آمدند که در جدول مضامین نشان داده شده است. مضمون اول، تم مرکزی مقاله است. مضمون دوم، تم‌های اصلی؛ مضمون سوم، تم‌های فرعی و مضمون آخر، تم‌های اولیه پژوهش را دربرمی‌گیرد. در فرایند تحلیل تم‌ها، محقق، برای دستیابی به حساسیت نظری، مفاهیمی را درنظر گرفته که در راستای پاسخ به پرسش پژوهش ارزش تحلیلی بیشتری دارند. جدول ۱ مضامین اصلی و فرعی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی پژوهش

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تم‌های اولیه پژوهش	منابع
تشکیکی بودن مشارکت	مشارکت اینارگرانه با جان و مال	فدای جان و پذیرش ریسک	(موسوی لقمان، ۱۳۹۹).
		چشم‌پوشی از مایحتاج با وجود مطلوبیت	(بقره/ ۲۰۷)، (حشر/ ۹)، (محمدی‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۷)، (محمدی‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲۹-۱۳۷)، (طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۶۹)، (طباطبایی،
		تقدم عدالت بر اینار	
		انجام وظیفه افزون بر تکلیف مقدم‌داشتن دیگران بر خود	

1. MAXQDA 12

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تم‌های اولیه پژوهش	منابع
		همدردی با دیگران در نیازها و مشکلات	۱۳۹۴، ص ۶۹)، (شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶: ۳۴)، (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۸: ۲۲۲)، (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۴: ۲۵۵)
		رعایت حقوق دیگران به‌طور یکسان	
مشارکت محسنانه	مشارکت محسنانه	تلافی کمتر شر	(فصلت / ۳۴ و ۳۵)،
		پیش‌دستی در خیر	(محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۴: ۲۵۴)، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۷۶)، (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۳۶)، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۷۶)
		خیر و نفع بیشتر به دیگران رساندن	
		تفضل و نیکی به دیگران	
		انجام و سروسامان دادن به امور و کارها به وجه نیکو و کامل	
تشکیکی بودن مشارکت	مشارکت منصفانه	وفای به عهد	(نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ و ۵۳)،
		عدم تجاوز به حقوق	(بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹)،
		داوری بدون جانب‌داری از خود	(مطهری، ۱۳۹۶، ص ۲۵۸)، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ذیل آیه ۲۱ نساء)،
		خیرخواهی نسبت به دیگری	(کافی، ج ۱، ص ۲۲)
		ضدظلم	
		انصاف در توانایی	
		توسعه خود در جلب منافع و دفع مضار دیگران	
تعاون و دگریاری	تعاون و دگریاری	قرض‌الحسنه	(مائده / ۲)، (نساء / ۲۱)، (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۲)، (غررالحکم، ج ۲، ص ۱۳)، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص: ۳۲۴)، (نهج‌الفصاحه / ص ۲۷۱۲)، (کافی، ج ۳، ص ۱۰۳)
		دین‌داری و امانت‌داری	
		لزوم هماهنگی در نتایج	
		محصول کار موازی یا جداگانه افراد	
		تعاون بر حق و بر	

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تم‌های اولیه پژوهش	منابع
		حفظ اصالت و استقلال همه اعضا،	
		محتاج به حداقل روح با هم‌بودن	
		اشتیاق در کمک‌کردن به دیگری	
		کمک به دیگران بدون تصور سهم و نفع	
		نفع‌رسانی همه به یکدیگر	
همیاری و مشارکت	همیاری و مشارکت	انتظار پاداش در مقابل عملکرد	(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص: ۴۹۲)، (فرهادی، ۱۳۹۷)، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص: ۴۹۲)
		سود و مصلحت همگانی	
		برخورداری افراد از مجموع منافع هر کس به وزن ارزش کار	
		پیمان کمک متقابل	
		نیاز مشترک	
		اشتراک منافع	
		عقل مهارگر خوی سرکش استخدام	
تشکیکی بودن مشارکت	مشارکت استخدام‌گرانه	غریزه بخل و شح نفس	(رفیعی آتانی، ۱۳۹۶، ص ۸۱)، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص: ۱۸۷ و ۴۴۵)، (صحیفه امام خمینی، ج ۱۴: ۳۹۱؛ (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷ و ج ۳، ص ۵۷۶)، (معارج/ ۱۹-۲۱)، (نساء/ ۱۲۸)، (حشر/ ۹)، (تغابن/ ۱۶)، (صحیفه امام خمینی، ج ۱۴: ۳۹۱)، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ص ۱۶۳)
		مبتنی بر تضاد منافع	
		مبتنی بر فطرت استخدام‌گر انسان	
		تخریب منابع	
		بدخواهی	
		ترجیح نفع خود به دیگری	
عقلانیت	مسئولیت‌پذیری		(مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵، ص ۳۸).

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تم‌های اولیه پژوهش	منابع
متعالی	اعضا در برابر همدیگر		
	برخورداری از انگیزه‌های معنوی و خدمت به مردم	خدمت کردن به انسان و رفع نیازمندی‌های او	(عیون اخبار الرضا، ۲، ۱۰۹)
	حاکمیت روح برادری و تکافل با یکدیگر	یاری و مهربانی در رسیدگی به امور یکدیگر	(فتح / ۲۹)، (حشر / ۱۰)، (حجرات / ۹)، (بجاء، ۷۴، ۲۳۴)، (اصول کافی، ج ۲: ص ۱۷۴)
		مواسات با یکدیگر	
صداقت و عدم خلف وعده			
	عدم خیانت و ستم به یکدیگر		
مطلوبیت تولید ثروت			(حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)
نفی مال محوری و انسان در خدمت سرمایه			(قصص / ۷۶-۸۱)، (غافر / ۲۳-۲۴)، (یونس / ۸۸)، (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۶۴)، (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)
عقلانیت متعالی	پرکردن خلأ همه افراد جامعه در کار و تلاش و		(بقره / ۲۱۹)، (اسراء / ۷۰)، (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۶/۸/۲۹)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تم‌های اولیه پژوهش	منابع
	تحصیل مال		
	محوریت		
	سعادت انسان		(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸-۱۹۱)، (نهج البلاغه، نامه ۶۲)
	پاسداری از کرامت انسانی		
	عدم محدودیت در دنیای مادی		
آگاهانه و داوطلبانه	آزادی مردم در نحوه بهره‌مندی از نفس و مال		(مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۳-۱۹)، (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۳)، (حر عاملی، ۱۳۸۸، ج ۱۳)
	آزادی اقتصادی انسان‌محور	سهیم شدن در فرآیند تصمیم‌گیری اقتصادی	(یوسفی، ۱۳۹۱)
		حق رأی و نظر در میزان و کیفیت تولید توسط اشخاص	
		آزادی در انتخاب شغل و در نوع	

باتوجه به آنچه در جدول آمده است، مضامین سازمان‌دهنده‌ی پژوهش — که در اینجا همان اصول تکمیلی اقتصاد مردمی اند — عبارتند از تشکیکی بودن مشارکت، عقلانیت متعالی، آگاهانه و داوطلبانه بودن مشارکت.

در ادامه هر کدام از این مضامین و اصول تکمیلی توضیح داده خواهند شد.

تشکیکی بودن مشارکت و عقلانیت متعالی در اقتصاد مردمی:

مشارکت تشکیکی است؛ یعنی خواست و نیت قلبی و هم‌چنین میزان اراده و عمل در افراد برحسب درجه هدف آن‌ها از مشارکت اقتصادی متفاوت است، به گونه‌ای که می‌توان مشارکت افراد را برحسب عقلانیت ایشان در یک طیف از مشارکت منفی و مخرب تا مشارکت ایثارگرانه با جان و مال درجه‌بندی کرد. مراتب مختلف مشارکت عبارتند از:

مشارکت ناعقلانی: جایی که افراد بدخواه یکدیگر بوده و نفع خود را بر دیگری ترجیح می‌دهند و هیچ ابایی از دزدی و خیانت در اموال یکدیگر نداشته باشند. استفاده از ترفند و حيله برای محروم کردن افراد از حقوق اقتصادی از جمله کنش‌های این مرتبه است.

مشارکت استخدام‌گرا: در این رتبه هر فردی به فکر استفاده از دیگری در راستای تحقق اهداف مادی یا معنوی خود است. فردیت و خودخواهی، حداکثر تمتع، درخودماندن و به خود اندیشیدن از ویژگی‌های این سطح است. افراد در کنش‌ها و تعاملات خود در پی کسب بیشینه سود شخصی با بهره‌کشی حداکثر از دیگری هستند. ادبیات متعارف اقتصاد در این رتبه می‌گنجد.

همیاری: در این مرحله نیازهای مشترک، افراد را به سمت همیاری سوق داده و درمی‌یابد که می‌توانند منافع مشترکی داشته باشند. افراد از مجموع منافع هر کس، به قدر ارزش کار خود بهره‌مند می‌گردند.

تعاون: در این رتبه هر فردی بدون تصور سهم و سود در پی دگریاری است. کمک به افراد در انجام وظایف نقش‌ها، اعطای قرض الحسنه به یکدیگر از جمله کنش‌های متصور این مرحله است. در اینجا تعاون باید بر حق باشد و محصول نهایی، حاصل کار موازی یا جداگانه افراد است.

مشارکت منصفانه: هر یک از اعضا خودش را جای دیگری گذاشته و هر آنچه برای خود می‌خواهد و می‌پسندد، برای دیگری نیز پسندیده و عاشقانه طلب می‌کند. اساس کنش بر مدارا و معروف است. وفای به عهد، امانت‌داری و دلسوزی نسبت به یکدیگر از جمله تعاملات این مرتبه است.

مشارکت محسنانه: احسان بخشش و کمک به دیگری از اضافه‌بر نیاز خود است. علاوه بر این احسان آن است که خیری را با خیر بیشتر تلافی کرده و شری را با شر کمتر جواب دهند. صبر و چشم‌پوشی، گذشت از حقوق مسلم و تخفیف به یکدیگر، هدیه و بخشش و جلب رضایت قلبی یکدیگر، جبران خدمات و فداکاری‌های صادقانه دیگران، از جمله تعاملات این مرحله است.

مشارکت ایثارگرا: در این مرحله هر فردی با وجود احتیاج و نیاز، دیگری را در جان و مال بر خود مقدم می‌دارند. اینجا اوج رشد عقلانیت افراد است.

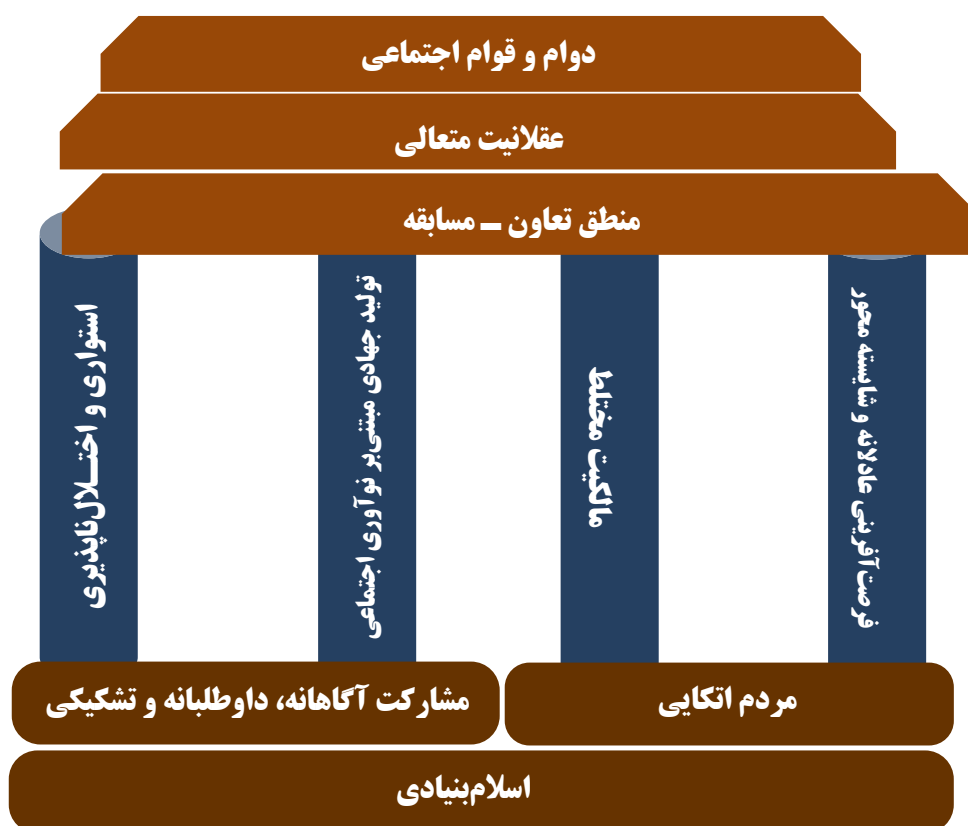
لازم به ذکر است اهداف اقتصاد مردمی به معنای واقعی آن در مراتب پایین هرگز تجلی نیافته و به مرور پس از گذشت از مرتبه مشارکت و تعاون و رشد عقلانیت افراد، نتایج آن مشهودتر

می‌شود. در این مکتب عقلانیت ابزاری معطوف به حداکثر سود شخصی کافی نیست و عقلانیت متعالی در پی خیر رساندن به دیگران و بهره کافی برای همه افراد درگیر است. در واقع انسان مورد نظر این دیدمان به آن‌چنان رشدی رسیده است که صرفاً به سود شخصی یا منفعت مادی نمی‌اندیشد؛ بلکه از خود به درآمده و در پی نفع و خیررسانی عمومی و حتی فداکردن جان و مال خود در راه آرمان‌ها و تعالی جامعه است. این امر در واقع تجلی همان روح حاکم بر نظام اقتصادی اسلام بوده که برای خدمت کردن به انسان و رفع نیازمندی‌های او و پاسداری از کرامت انسانی وضع شده است؛ برخلاف اساس نظام‌های اقتصادی غرب که بر مال و مرکزیت دادن به آن مبتنی است از این رو، مال را همه هدف خویش می‌شمارد و انسان و انسانیت را در راه آن قربانی می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۱۶۴-۱۵۷). اسلام حتی در مکتب اقتصادی خود، مراعات حدودی را در مالکیت و تصرف در اموال بر انسان واجب می‌کند تا چنان شود که به مال، هم‌چون وسیله‌ای برای رفع نیازهای زندگی نگاه شود و از تبدیل شدن به هدفی برای تلاش‌های حیات انسانی پرهیز شود. لازمه این شیوه فکر، این است که اگر در جامعه اسلامی خلایق وجود داشت، همه افراد جامعه بدون استثنا و به خصوص کسانی که توانسته‌اند تحصیل مالی کنند، موظف باشند برحسب اختلاف تمکن خودشان، آن خلأ را پر کنند. بدین ترتیب در اقتصاد مردمی برای آحاد انسان‌ها در جامعه، علاوه بر کار و تلاش، تحصیل مال، فرصت رشد واقعی، همه‌جانبه و تحقق فضائل اخلاقی فراهم می‌شود.

آگاهانه و داوطلبانه بودن مشارکت

بر اساس دیدگاه اسلام، مردم در نحوه بهره‌مندی از نفس و مال خود آزاد هستند و هیچ کس نباید مانع استفاده انسان از آزادی‌اش شود. فقهای اسلام بنای عقلا را دلیل بر این آزادی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۹-۴۳). بنای عقلای عالم از زمان‌های قدیم تاکنون بر این بوده است که انسان آزاد است که هرگونه خواست در مال و نفس خود تصرف کند. ارزش مشارکت نیز در جایی است که افراد آگاهانه و با رضایت و خواست قلبی و برحسب اراده شخصی اقدام نمایند. همه انسان‌های فعال اقتصادی باید به معنای واقعی آزادی اقتصادی داشته باشند، به گونه‌ای که اولاً در انتخاب شغل، میزان سرمایه‌گذاری، نوع، میزان و کیفیت کالای

توليدى حق نظر و رآى و در مديريت فرايند اقتصادى سهم تصميم‌گيرى داشته باشن و ثانياً، شرايط بهره‌مندى از اين حق براى آنان فراهم باشد.



شکل ۲. مدل مفهومی از اصول تکمیلی اقتصاد مردمی

مدل مفهومی این اصول تکمیل و تعدیل شده در شکل ۲ نشان داده شده است. در این مدل، اسلام محوری و مردم‌اتکایی، داوطلبانه، آگاهانه و تشکیکی بودن مشارکت زیربنای تمام اصول بوده که جان و روح خود را از آن می‌گیرند. علاوه بر این عقلانیت متعالی و دوام و قوام اجتماعی، ثمره اصلی، و جوه متمایزکننده و مهم این مکتب در مقایسه با سایر نظام‌های اقتصادی محسوب می‌شوند که به گونه‌ای در رأس این مدل آمده‌اند. فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته‌محور، مالکیت مختلط، تولید جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی، استواری و اختلال‌ناپذیری و منطق تعاون - مسابقه نیز ستون‌های این مدل مفهومی محسوب می‌شوند.

استخراج راه کارهای تضمین تحقق اصول و الزامات اقتصاد مردمی

در این بخش برای اجرای روش تحلیل محتوای جهت‌دار، اصول اولیه و تکمیلی اقتصاد مردمی مبنا قرار داده شده است. هدف از این نوع تحلیل، ارائه راه کار برای تحقق و تضمین اجرای این اصول در حوزه کسب و کارهای مردمی است. محققان، طرح رمزگذاری خود را پیش از تحلیل داده، از طریق اصول کسب و کار مردمی آغاز کرده‌اند. بدین ترتیب با مرور کل مصاحبه‌ها مواردی که براساس برداشت اولیه به عنوان راه کار حمایت و تحقق اصول شناسایی شد، علامت‌گذاری شدند. سپس براساس مفاهیم و الزامات هر اصل، موارد علامت‌گذاری شده مقایسه و رمزگذاری شدند. هم‌چنین در فرآیند تحلیل رمزهای دیگری نیز به دست آمده و رمزهای قبلی (حاصل از مفاهیم مدل‌ها) بازبینی و اصلاح شدند. در واقع در اینجا واحدهای معنا به پشتوانه مفاهیم اصول اقتصاد مردمی، کدگذاری و مقوله‌بندی می‌شوند. به هر بخش از متون که ذیل مقولات موجود نمی‌توانست قرار بگیرد، کد و رمز جدیدی اختصاص داده شد. لازم به ذکر است محققان هرگز ادعای کامل بودن این راه کارها را ندارند؛ چرا که این راه کارها در محدوده این تحقیق و در حوزه اطلاع و آگاهی جامعه آماری و مصاحبه‌شوندگان این پژوهش استخراج شده‌اند. پس از رمزگذاری باز، مقوله‌های مشابه در هم ادغام شده و دسته‌ها تشکیل شدند. جدول ۲ جمع‌بندی از دسته‌ها، مقوله و زیرمقوله‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. دسته، مقوله و زیرمقوله حاصل از پیاده‌سازی تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار

دسته	مقوله	زیرمقوله
راه‌کارهای تحقق مردم‌تکایی	تأمین مالی مردمی	امکان‌پذیر ساختن ورود سرمایه‌های حتی اندک به چرخه کسب‌وکار مردمی
راه‌کارهای تحقق مشارکت آگاهانه و داوطلبانه	ارائه اطلاعات	ارائه اطلاعات اولیه تولید، ارائه اطلاعاتی در زمینه رقابت و امکان حضور کسب‌وکارها در بازار داخل و خارج، اعلام اولویت‌های سرمایه‌گذاری و پژوهشی
	پرداخت یارانه	ارائه اطلاعات مشاوره‌ای به تولیدکنندگان با پرداخت یارانه
راه‌کارهای تحقق مشارکت تشکیکی	رتبه‌بندی کسب‌وکارها	رتبه‌بندی کسب‌وکار براساس معیارهای مدنظر و حمایت از آنها
	حمایت تشکیکی و برحسب درجه رشد کسب‌وکارها	عدم ایجاد وابستگی تام در کار اقتصادی به دلیل حمایت‌های مستمر، امکان‌پذیر ساختن رشد کسب‌وکارها با ارتباطات منطقی و نظام‌مند در هر مقطع با آنها، حمایت‌های دوره‌ای و متفاوت در هر مقطع از زمان از کسب‌وکارها و مشخص نمودن محدوده زمانی حمایت‌ها و نوع آنها کاهش زمان ارائه تسهیلات بانکی و سایر مزایای دولتی در کسب‌وکارهای مولد نسبت به سایر فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی و تعیین اولویت‌ها برای تأمین مالی در بین کسب‌وکارها
راه‌کارهای تحقق مشارکت تشکیکی	سیاست تنبیهی در مقابل مشارکت ناعقلانی مردم	حذف مشوق‌ها به منظور مجازات کسب‌وکارها، تنبیهات تعزیراتی، پس‌گرفتن تسهیلات از کسب‌وکارها، قراردادن کسب‌وکارهای مخلاً اقتصادی در لیست سیاه و محرومیت از تسهیلات و حمایت‌های آتی
راه‌کارهای تحقق فرصت‌آفرینی عادلانه و شایسته‌محور	امنیت کار و سرمایه مردمی	ثبات قوانین و وجود دادگاه‌های قابل اتکا در سرمایه‌گذاری و کار کارگران و امنیت قضایی سرمایه‌گذار
	برخورد با تبعیض و فساد	رفع تبعیض‌ها و موانع کسب‌وکار برای فعالین مردمی، ضرورت دخالت دولت در صورت انحصاری‌شدن بازار، جلوگیری از دامپینگ و رانت، برخورد با فساد اقتصادی و اعتماد به بخش مردمی

دسته	مقوله	زیر مقوله
	شفافیت	کاهش رانت اطلاعاتی و اقتصادی، قرارداد سرمایه‌گذاری در معرض انتخاب همه مردم کشور
راه کارهای تحقق دوام و قوام اجتماعی	تضمین کیفیت محصولات و خدمات	جلوگیری از سوءاستفاده از اعمال تعرفه‌های وارداتی و ایجاد فضای ضدرقابت و تولید، جلوگیری از قاچاق و توجه به ضررهای آن برای کسب و کارها، تدوین استاندارد کیفیت برای محصولات مردمی، برندسازی محصولات مردمی، پیشگیری از جعل، سوءاستفاده از برندها و تسریع در پیگیری تخلفات
	رعایت حقوق و جلب رضایت مردم مصرف‌کننده	الزام کسب و کارهای مردمی به ارائه سرویس‌های مطلوب به مردم و هم‌چنین خدمات پس از فروش، محدودیت یا ممنوعیت مصرف برخی محصولات، جلوگیری از فروش اجناس بی‌کیفیت و نامرغوب به مردم، جلوگیری از خدمات پس از فروش بدون پشتیبانی، انتشار اطلاعات درخصوص ویژگی و کیفیت محصولات و پیشگیری از تبلیغات فریب‌دهنده و غیرواقعی
راه کارهای تحقق منطق تعاون - مسابقه	همکاری بین واحدهای کسب و کار مردمی	تدوین استانداردهای همکاری‌های بین واحدهای کسب و کار، حمایت حاکمیت از موارد اولویت‌دار برای تصمیم واحدها به تغییر اندازه یا همکاری با سایر کسب و کارها، ایجاد شرکت‌های مشترک برای بازاریابی و فروش در راستای کاهش تعدد و تقویت برند، شکل‌دهی زنجیره‌ها و خوشه‌های کسب و کار، شکل‌گیری شهرک‌های صنفی و صنعتی، تشکیل نهادهای واسطه و شرکت‌های مدیریت صادرات، ساخت شهرک و امکانات، تسهیلات ساخت و وام برای ابزار و تجهیزات
	تسهیل ارتباط بین واحدهای کسب و کار مردمی	ایجاد مجتمع‌های صنعتی برای تسهیل ارتباط بین واحدهای کسب و کار، احداث زیرساخت‌های حمل و نقل و تولید اطلاعات برای اطلاع از عملکرد سایر کسب و کارها

دسته	مقوله	زیرمقوله
راه‌کارهای تحقق عقلانیت متعالی	نگاه انسانی به تولید	توجه‌دادن کارگزاران کسب‌وکارهای مردمی به اخلاقیات و نگاه انسانی در تولید
راه‌کارهای تحقق استواری و اختلال‌ناپذیری	توزیع مزیت‌های تولید در کشور	اعلام سیاست‌های دولت در مورد اولویت کالا، شهرها و مناطق مختلف کشور و اولویت‌های فناوری در تولیدات مردمی، اعلام مزیت‌های توسعه طبیعی، انسانی و سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف کشور، تعیین نوع تولیدات و کسب‌وکارها با توجه به اقلیم، فضای انسانی و ظرفیت‌های دیگر در مناطق مختلف کشور
راه‌کارهای تحقق تولید جهادی مبتنی بر نوآوری اجتماعی	حمایت از تحقیق و توسعه	حمایت معنوی از پژوهشگران، تأمین منابع و مشوق‌ها برای نهادینه‌کردن تحقیق و توسعه، حمایت دولت از تولیدات مردمی و صادرات دانش‌بنیان (مالکیت معنوی، وام‌ها و عرضه محصولات دانشی در بازار بین‌المللی و ...) و راه‌اندازی سامانه فناوری برای هماهنگ‌سازی عرضه‌کنندگان و متقاضیان دانش و نوآوری
	شبکه‌های تحقیق و توسعه	مشروط‌کردن تشویق‌ها و تسهیلات به ارائه برنامه تحقیق و توسعه، شبکه‌سازی در فعالیتهای تحقیق و توسعه و همکاری شبکه‌ای به‌منظور کاهش هزینه و دوباره‌کاری، و تحویل کمک فنی و مبادلات به پروژه‌های مشترک تحقیق و توسعه

همان‌طور که روشن است، زیرمقولات این جدول راه‌کارهای اجرایی برای تحقق هر کدام از اصول اقتصاد مردمی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در اقتصاد مردمی، هر عضو جامعه، حلقه‌ای هرچند کوچک از زنجیره بزرگ اقتصاد را تشکیل می‌دهد و با سرمایه و کار خود — گرچه به مقدار اندک — وارد فعالیت اقتصادی می‌شود. در تحقیقات گذشته چند تن از محققان اقدام به استخراج اصول این دیدمان نموده‌اند؛ اما برای اینکه

بتوان وجه تمایز آن‌را با سایر نظام‌های اقتصادی مشخص کرد می‌بایست این اصول جرح و تعدیل شوند. بدین ترتیب نگارندگان این مقاله، با استفاده از روش تحلیل مضمون و مراجعه به مبانی و معارف اسلامی، مضامین و مفاهیم مرتبط با سؤال تحقیق را استخراج کرده و پس از سازماندهی آن در قالب جدول مضامین، اصول تکمیلی را ارائه داده‌اند. براساس این اصول می‌توان تعریف تکمیلی از اقتصاد مردمی را این‌گونه ارائه داد: نظامی شبکه‌ای با ارتباطات نامتقارن است که مبتنی بر اصول توحیدی اسلام و با استفاده از مالکیت مختلط، عقود اسلامی و فناوری نوین فرصت مشارکت وسیع، تشکیکی و استثناء‌ناپذیر مردم را (حتی‌الامکان) مستقل از زمان و مکان و به شکل آگاهانه و داوطلبانه چنان فراهم می‌کند که مردم قادر باشند ضمن تعاون — مسابقه‌ای جهادی و نوآورانه در فعالیت‌های اقتصادی به رفع احتیاجات مردم پرداخته و با توجه به مطلوبیت خروجی تولیدشده — و نه اعتبار تولیدکننده — منفعت (مادی و معنوی) کسب کنند و از این طریق، دوام و قوام جامعه و پیشرفت استوار آن‌را تضمین کنند. در این نظام عقلانیت انسان‌ها به حدی رشد کرده که تنها به سود شخصی یا منفعت مادی ننگریسته و مفاهیمی مانند خیررسانی عمومی و حتی ایثار مال و جان ارزش تلقی می‌شوند و علاوه بر کار، تلاش و تحصیل مال، فرصت رشد واقعی و همه‌جانبه برای تک تک مردم فراهم می‌شود. در بخش دوم تحقیق نیز با تحلیل محتوای کیفی مصاحبه با خبرگان وزارت صنعت و هم‌چنین فعالین کسب و کارها، راه کارهایی برای تحقق و تضمین اصول اقتصاد مردمی ارائه شده است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- ابن بابویه، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، ترجمه آقا نجفی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، پژوهش ۳ (۲)، ۴۴-۱۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در قدرت)، تهران: نشر نی.
- بیات، سوده؛ ضرغام‌بروجنی، حمید؛ خواستار، حمزه؛ تقوی‌فرد، محمدتقی (۱۳۹۷)، فرآیند مدیریت دانش بومی کسب‌وکارهای مردم‌محور صنایع دستی: موردکاوی عبا و گلیم‌بافی محله محمدیه نائین، توسعه کارآفرینی، ۱۱ (۲)، ۲۶۱-۲۸۰.
- پیشوایی، میرسامان؛ موسوی‌لقمان، سیده‌اشرف؛ سلسبیل، مهسا (۱۳۹۶)، مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی، انتشارات آل‌احمد.
- پیروز، روزبه (۱۳۹۸)، کتاب از چاه به راه: گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی، انتشارات دنیای اقتصاد.
- تیمی‌آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۱)، تصنیف غرالحکم و دررالکلم، ترجمه درایتی، انتشارات ضریح آفتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، انتشارات اسراء، چاپ سوم.
- حرغاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام)، لاجیاء التراث.
- حسینی، مجتبی؛ حسینی، سیدحسین؛ پیغامی، عادل (۱۳۹۵)، امام، مردم و اقتصاد، مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- حسینی، سیدحسین؛ سلیمانی، محمد (۱۳۹۸)، الگوی مشارکت مردم در اقتصاد با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۱)، ۲۱-۱۳۱-۱۵۰.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰)، الحیاه، ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خورشیدی، ویدا؛ عطایی، امید (۱۳۸۶)، دولت و اندازه آن، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۳)، اقتصاد دانش‌محور و حفظ تمامیت نهادی دانشگاه، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۳، ۱۹۴-۱۶۳.
- فراهی، مرتضی (۱۳۹۷)، انسان‌شناسی یاری‌گری، انتشارات حبله‌رود.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم و دارالشامیه.
- رشیدی، علی (۱۳۷۷)، اقتصاد مردم‌سالار بستر رشد جامعه مدنی، تهران: آوای نور.
- رفیعی‌آنانی، عطاءالله (۱۳۹۶)، واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چارچوب فلسفه اسلامی نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی، آفتاب توسعه (ناشر تخصصی مرکز علوم انسانی اسلامی صدرا).

- رضی (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات سبب النبی (صلی الله علیه وآله وسلم).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شریف‌زاده، فتاح؛ صدقی، جواد (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مطالعات مدیریت، ۵۹، ۴۷-۷۰.
- شفیعا، محمدعلی؛ موسوی‌لقمان، سیده‌اشرف (۱۳۹۲)، تبیین نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۳ (۵۱)، ۳۵-۶۲.
- صمدی، هادی (۱۳۷۷)، معرفی و نقد نظریه اقتصاد تکاملی و رابطه آن با توسعه اقتصادی، مجله تحقیقات اقتصادی، ۵۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴)، روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام، ترجمه محمدجواد حجتی‌کرمانی، نشر بعثت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، میزان، ترجمه سیده‌محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۲)، پیوندهای مردم‌سالاری و رشد اقتصادی، نشریه تدبیر، ۳۷.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، قم: انتشارات اسوه.
- کراری، مرجان؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مقتدایی، عباس (۱۳۹۸)، تحقق مردم‌سالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران: مطالعه موردی؛ شناسایی مشکلات بخش تعاون استان اصفهان، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۷)، ۲۳-۴۴.
- کریمی، رضا (۱۳۸۶)، نهج‌الفصاحه، ترجمه ردایی‌آملی، انتشارات نسیم حیات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، ج ۲۰، مؤسسه تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) به سفارش مؤسسه صدرا.
- محدث، سیدجلال‌الدین؛ تمیمی‌آملی، عبدالواحد (۱۳۸۴)، شرح محقق بارع جمال‌الدین محمد خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱)، دانش‌نامه قرآن و حدیث، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحارالانوار، نشر اسلامیه.
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، القواعد الفقهیه، ج ۲، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

موسوی لقمان، سیده‌اشرف (۱۳۹۹)، طراحی الگوی اقتصاد خانواده در چارچوب اقتصاد اسلامی با تأکید بر نقش دولت (رساله دکتری)، دانشگاه علم و صنعت ایران.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱)، آزادی اقتصادی انسان‌محور براساس آموزه‌های اسلامی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (<https://www.olgou.ir/index.php/fa/nazadi04>).

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۲)، الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی، اقتصاد اسلامی، ۴۸، ۵۳-۷۶.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۳)، مدل مردم‌سالاری دینی اقتصادی بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۴ (۵۳)، ۵۷-۸۳.

منابع انگلیسی:

- Boyatzis, Richard E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Habermas, Jürgen. (1984). (translated T McCarthy). *The Theory of Communicative Action*. Beacon Press. Boston.
- Hsieh, Hsiu-Fang, Shannon, Sarah E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis, *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288
- Leblanc, P.; Mbarika, V.; Kvasny, L.; McCoy, S. & Meso, P. (2008). TeleDemocracy in developing countries: a focus on Sub-Saharan Africa, *The Cameroon Journal on Democracy and Human Rights*
- Sun, C. (2001). Higher Education in a Knowledge- based Economy. *Journal of International Economics*. 47, pp.399-428
- Waheduzzaman. (2010). *People's Participation for Good Governance: A Study of Rural Development Programs in Bangladesh*. Submitted in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. Victoria University School of Management and Information Systems Faculty of Business and Law.

